



انترناسیونال ۱۶۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۲ آبان ۱۳۸۵، ۳ نوامبر ۲۰۰۶

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی



در تعقیب یک جنایتکار

گزارش حزب کمونیست کارگری ایران از تظاهرات علیه حضور خاتمی در لندن

صفحه ۴



قتل ناموسی

در پوشش "خودکشی"!
باید جلوی این جنایات را گرفت!

صفحه ۳

اعتصابات کارگری در کشت و صنعت و پتروشیمی

صفحه ۵

مردم! در برابر تهاجم فاشیستی

به کارگران و پناهندگان افغانستانی بایستید!

صفحه ۷

قربانیان کودک آزاری، توران و "که وین" از تهران تا برمن آلمان، مباحثات بر محور چیست؟

علنیت و حزیت

مصاحبه با کاظم نیکخواه

(قسمت اول)

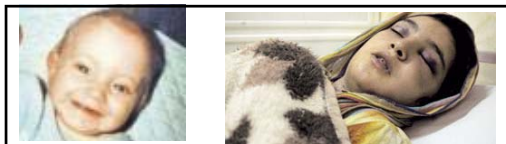


مینا احدی

مادر یکسال قبل فوت کرده و یا حتی بنا به اخباری توسط پدر به قتل رسیده و بالاخره بعد از مباحثات چند روزه اعلام شد که مردی که او را در خانه کشته است پدر که وین نیست و دوست پسر

صفحه ۸

هیچکس نمیتواند گزارشات را بخواند و بغض گلوش را نگیرد. که وین دو سال داشت و متاسفانه دیگر زنده نیست. عکس کودک رنگ پریده و مغموم و



غمگینی را در صفحات روزنامه های آلمان می بینید که گزارشات حاکی از آن است که این کودک رنگ پریده را پدرش کشته و چند ماه او را در فریزر خانه نگه داشته است. مادر که وین و پدرش معتاد بودند.

توران در بیمارستانی در تهران بستری است و که وین دو ساله اکنون در گورستانی در شهر برمن آلمان آرمیده است. سرگذشت این دو کودک در ایران و در آلمان در رسانه

ها منعکس شده است. یک هفته تمام است که هر روز سری به صفحه اخبار در روزنامه ها در ایران و روزنامه های آلمان میزنم و سرگذشت دردناک دو کودک را باهم مقایسه میکنم.



امضای به پای نوشته های مندرج در نشریات بر میگردد. مبحث علنیت با بحث های رفیق منصور حکمت در بحث های "حزب جامعه" و علنی شدن کنگره های حزبی وارد فاز جدیدی شد و سپس در کنگره پنجم

صفحه ۲

حسن صالحی: در بیانیه پایانی پلنوم ۲۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران بر مسئله داشتن یک حزب باز سیاسی، علنیت و همینطور حزیت تاکیدات زیادی شده است. حزب کمونیست کارگری ایران تنها حزب سیاسی اپوزیسیون در ایران است که در زمینه علنیت و باز بودن سنت شکنی کرده و سنت جدیدی را در مقابل جامعه قرار داده بطوریکه دیگرانی نیز از آن پیروی کرده اند. سابقه بحث علنیت در جنبش ما البته به مارکسیسم انقلابی بحثهای سبک کار کمونیستی و گذاشتن

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ مصاحبه با کاظم نیکخواه

با تصویب چند قرار مهم در مورد علنیت ادامه یافته. و باز امروز بار دیگر ما بر همین مسئله تاکید می کنیم. آیا تاکید مجدد بر این مسئله ناشی از این است که حزب به اندازه کافی علنی نیست؟ آیا ما باید در این زمینه هنوز دستخوش تغییر و تحولات بیشتری شویم؟

کاظم نیکخواه: بله به نظر من ما به تحولات جدی تری در این زمینه نیاز داریم. اما بحث یک بحث صرفا کمی نیست. کمی بیشتر علنیت یا کمتر. بلکه یک جهت گیری و یک سبک کار متفاوت را من مد نظر دارم. من فکر می کنم حزب بزرگ و اجتماعی دوره حاضر باید علنی باشد. و تاکید می کنم ناگزیر است علنی باشد. حزب کمونیست کارگری گامهای مهمی در این جهت برداشته است که شما به جنبه های مهم آن اشاره کردید. این حزب و این جریان بسیاری از تابوها و یا سنتهای مقدس را شکسته است. کاری که ما کرده ایم با هیچ حزب و جریان سیاسی اپوزیسیونی قابل مقایسه نیست. در این مورد من شکی ندارم. اما معیار و شاخص ما نباید مقایسه کردن خودمان با گروهها و سازمانهای حاشیه ای یا بهر حال غیر اجتماعی باشد. وقتی به تحولاتی که در این ده بیست سال در سطح جهان و حتی ایران اتفاق افتاده دقت کنیم متوجه میشویم که ما هنوز داریم دست به عصا راه میرویم. به این مساله به عنوان یک رویداد سیاسی نگاه نمیکنیم. به یک مفهوم ما هنوز بطور جدی و اساسی از نگاه رایج جریانات سیاسی سنتی که حزیت را با مخفی کاری یکی میداند و علنیت را با شل شدن چارچوب های تشکیلاتی و تشکل و "لیبرالیسم تشکیلاتی" مترادف می بیند، فاصله نگرفته ایم. ما باید در این زمینه بحث کنیم، هم نظر شویم و بطور کلی بند نافمان را از این تاریخ قطع کنیم. باید جهت گیریمان را در زمینه تشکل و تشکیلات بطور جدی عوض کنیم. باید بتوانیم حزبی اجتماعی و مطابق ملزومات و امکانات این دوره یعنی دوره انقلاب ارتباطاتی بسازیم. انقلابی در جهان صورت گرفته است که دارد همه چیز را زیر و رو میکند. اما "نوری" تشکیلات و تشکل هنوز

برخاسته از همان سنتها و جهت گیریهای اول قرن بیستم و حتی قبل از آن است. حزب کمونیست کارگری تنها حزب اپوزیسیون است که عملا نشان داده است که متوجه این واقعیت هست. اما در این زمینه هم یک نیروی "مانند"، نیروی عادت و سنت و چیزهایی از این قبیل دارد جلوی تحول را میگیرد، یا آنرا کند میکند. بحث اصلی اینست که: حزب بزرگ سیاسی و اجتماعی در این دوره نباید و نمیتواند حزبی باز و شفاف نباشد. برای ما کمونیست ها چیزی از این بهتر قابل تصور نیست. اگر کسی عینک سنتی "مخفی کاری" را کنار بگذارد و به مساله نگاه کند باید از امکان عظیم شفافیت و علنیت، از خالی شدن زیر پای سانسور و توطئه گری، از شادی پر در بیاورد. من عمیقا مدتهاست به این نتیجه رسیده ام که همانطور که دوره سانسور دولتها تاریخا گذشته است، دوره احزاب بسته هم تمام شده است. و از این واقعیت عمیقا هیجان زده و خوشحالم. این دریچه دنیای دیگری را بروی بشریت باز کرده است که فی نفسه به نفع کارگران و کمونیستها و هر کسی است که اتکانش به توده های میلیونی باشد و بخواهد مصالح و منافع آنها را نمایندگی کند. برای بورژوازی و طبقه حاکم این یک درد سر و مشکل است که باید فکری بحال آن بکند. باید با شیوه های دیگری آنرا خنثی کند. که بطور جدی دارد در این زمینه تلاش و سرمایه گذاری میکنند. اما ما کمونیست از این بهتر چه میخواهیم؟ باید از این امکان تاریخی استقبال کنیم. باید از این طریق روی بورژوازی و احزاب فشار بگذاریم. دورویی و فریبکاری و توطئه گری ماهوی دولتها و احزاب بورژوایی را مورد حمله قرار دهیم. در این زمینه باید جداگانه مفصل تر بحث کرد که کلا علنیت و شفافیت چگونه با منافع و مصالح پایه ای بورژوازی در تناقض قرار میگیرد. البته این را متوجه هستم که احزاب بزرگ و رسمی بورژوایی تا حد زیادی علنی هستند. ما هنوز خیلی چیزها میتوانیم از آنها یاد بگیریم. اما در عین حال و با وجودی که مثل ما با مانعی بنام سرکوب و اختناق مواجه

نیستند، هنوز تصمیمات اساسی شان را در پشت درهای بسته میگیرند. بحثهای اساسی شان محرمانه است. علنیتشان بخاطر اجتماعی بودن و حوزه وسیع عملشان است. نه از سر شفافیت در برابر جامعه و مردم. در نتیجه ما داریم از تحولی صحبت میکنیم که بورژوازی باید بگردد و راههای خنثی کردن عوارضش را پیدا کند، و ما کمونیست ها باید راههای هرچه سریعتر پیاده شدنش را. تا آنجا به پلنوم اخیر کمیته مرکزی که شما اشاره کردید مربوط میشود، در این پلنوم ما دستوری در این زمینه را تصویب کردیم و قرار بود در زمینه تره های پایه ای که در این مورد در اختیار پلنوم قرار داده شده بود بحث کنیم، اما متاسفانه فرصت به این دستور نرسید. اما در کل فضا و بحثهای پلنوم این جهت گیری قابل مشاهده بود و مورد تاکید قرار می گرفت که این جای خوشحالی و امیدواری است.

حسن صالحی: ما قبلا به این مسئله اشاره داشته ایم که بسیاری از سنتهای موجود در بین جریانات چه میراث اختناق و انزواگرایی و عبارتی محفلیسم است. سوال من اینجا عمدتا در مورد تاثیرات وجود اختناق است. خب سوال این است که یک حزب کمونیستی خلاف جریان برای اینکه از گزند اختناق در امان باشد نیازمند مخفی کاری است. معمولا گفته می شود که مخفی کاری یک شرط لازم برای بقا سازمانی است. خود ما نیز برای جلوگیری از لطامات پلیسی همیشه شیوه هایی از سازماندهی را اتخاذ کرده ایم که مخفی کاری جزئی از آن بوده است. چگونه یک حزب کمونیستی، با آن مختصاتی که شما در زمینه علنیتش مطرح کردید میتواند خود را در شرایط اختناق نگه دارد؟

کاظم نیکخواه: اول باید روشن کنیم که آن واقعیتی که شاهدیم یعنی خیل سازمانها و احزاب عموما بسته ای که خود را در پشت پرده ها مخفی میکنند، بخاطر اختناق است یا چیز دیگری است. ببینید وقتی به درک رایج یا غالب تاکنونی در میان جریانات اپوزیسیون و مخصوصا چپها در مورد سازمان و حزب و تشکل دقت کنید متوجه میشوید

که سازمان و تشکل همانطور که گفتم با مخفی کاری یکی یا جدایی ناپذیر گرفته میشود. مخفی کاری تقدس دارد. حزب یعنی تجمع کسانی که دارای هم نظری مطلق هستند و در سازمان و حزب به تن واحدی تبدیل شده اند. ثمره و فرزند این تن واحد هم "سیاستهای حزبی" و سازمانی است که بعد از بحثهایی در پشت درهای بسته که "نامحرمان" نباید آنها را بشنوند، از پنجره هایی بنام نشریات و سایتهاشان بیرون داده میشود. شخصی در پشت این سیاستها مشاهده نمیشود. اختلاف نظری وجود ندارد. سایه روشنی نیست. همه با هم ظاهرا یک حرف با یک انشا و فرمولبندی را زده اند و با حرارت از آن دفاع میکنند. منشا این مخفی شدن در پشت درهای بسته که ترجیح میدهند برای انقلابی تر جلوه دادنش آنرا "مخفی کاری" بنامند تاریخا شرایط اختناق است که این چپ در آن شکل گرفته و رشد کرده است. اما این تاریخ هم دیگر از این "مخفی کاری" جدا شده است و مخفی کاری بطور مستقل روی پای خودش ایستاده است و به حیاتش ادامه میدهد. یعنی کسی نیازی برای ربط دادن مخفی کاری با دیکتاتوری و اختناق نمی بیند. سوال اساسی اینست: چرا تشکلی که بنا به تعریف قرار است توده های میلیونی کارگر و مردم را به خود جلب کند، خودش و مکانیزمهای تصمیم گیریش را حتی آنجا که امکان علنی کردنش هست از این مردم پنهان میکند؟ چرا نمیخواهد این مردم آنرا بشناسند، آدمها و رهبران و چهره هایش را ببینند، مکانیزمهای تصمیم گیریش را بشناسند، ایده های پشت هر تصمیمش را بشنوند، آدمها را با چهره و درکها و تواناییهای واقعی شان ببینند و بروند در همان جهت و مسیر کارهایی بکنند؟ این سوال اساسی من است. اگر کسی جواب دهد دلیلش اختناق و تنها اختناق و سرکوب و دیکتاتوری و این حرفهاست آن وقت میشود با او وارد بحث شد و نشان داد که این حرف در اکثر موارد بی اساس و بی ربط است. منظرم طبعاً این نیست که اختناق وجود ندارد یا نقشی ندارد. بلکه میخواهم بگویم جلوی چشممان

داریم می بینیم که این چپ چه اختناق باشد چه نباشد سازمان و تشکل و مناسباتش با بیرون و با جامعه همین است که هست و عوض نشده و نخواهد شد. این چپ وقتی که در شرایطی متفاوت و دور از اختناق هم قرار میگیرد، باز هم یک قدم به سمت علنیت گام بر نمیدارد و بر نداشتنه است. آیا میتوانید یک سازمان و گروه چپ جهان سومی را پیدا کنید که جلسات و کنگره ها و کنفرانسهایش را حتی وقتی که در کشور امنی هم برگزار میشود، علنی برگزار میکند؟ تازه ما الان ۶ سال بعد از کنگره علنی حزب کمونیست کارگری داریم حرف میزنیم، با وجود فشار زیادی که علنی کردن کنگره حزب و بحثهای حزب ما بر همه جریانات گذاشت، تنها تک و توکی یک ذره از گوشه چادرشان را بالا زدند. تازه آنهم آنقدر نادر و محدود است که قابل ذکر نیست. قبل از آن که مطلقا از علنیت نشانی نبود. چپ سنتی هنوز هم آشکارا علنیت را "ضد حزبی" و مترادف با لیبرالیسم تشکیلاتی میداند و مخفی کاری را با حزیت و تشکل یکی میداند. این ذهنیت عمومی چپ از حزیت است. تا آنجا که به دلیل بسته بودن تشکیلاتها مربوط میشود این چپ عموما با خود این مردم و جامعه بیرون است که مشکل دارد و گرنه میشد موارد استثنایی را که به اصطلاح "امنیتی" است جدا کرد و بقیه بحثها و مسائل را شفاف و علنی و در پیش چشم جامعه برگزار کرد. میخواهم بگویم از نظر من این علنیت است که باید اساس کار یک سازمان و حزب جدی باشد نه مخفی و پشت پرده کار کردن. برای علنی کار کردن سازمان و حزبی که مخاطبش توده وسیع کارگران و مردم هستند دلیل زیادی قاعدتا نباید لازم میبود. میشود چند کتاب در فوایدش نوشت. برای مخفی کار کردن است که قاعدتا باید دلیل آورد و ثابت کرد که لازم است در این مورد یا آن مورد، در این شرایط و آن مقطع مسائل را مخفی کرد.

طبعاً تنها دلیل قابل قبول در این زمینه وجود سرکوب و اختناق است. ما آنقدر ساده نیستیم که از عشق علنیت حاضر باشیم خودمان

بزرگداشت انقلاب اکتبر در لندن

**برنامه شامل
سخنرانی اصغر کریمی
از دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری**

نمایش فیلم

**"ده روزی که جهان را لرزاند"
و موزیک**

لندن

**جمعه ۱۰ نوامبر ۲۰۰۶
ساعت ۶ و نیم بعد از ظهر**

**Weston Rise Community Centre
187 Pentonville Rd, London, N1**

نزدیکترین ایستگاه قطار: کینگز کراس

ورودی ۳ پوند

غذا و مشروب با قیمت مناسب در محل به فروش
میرسد

برای اطلاعات بیشتر

تلفن:

07946752534

wpiengland@yahoo.co.uk

قتل ناموسی در پوشی "خودکشی" باید جلوی این جنایات را گرفت!

کند. دخترانشان را در سنین پایین با آیه شرعی ملا به "خانه شوهر" می فرستند. در مدارس مذهبی به کودکان از همان سنین کودکی رسم اعمال تبعیض بر زنان را می آموزند. حجاب، سمبل آپارتاید جنسی و تحقیر و بیحقوقی زن، به سر دختر بچه ها می کنند، و در عوض شنا، رقص، موسیقی و آموزش جنسی را از آنها سلب می کنند. در آلمان برای رضایت خاطر اسلامی ها برایشان کنفرانس برگزار می کنند. در کانادا می خواستند که پایشان را نیز در دستگاه قضاوت باز کنند که با مخالفت انسانهای آزادیخواه و برابری طلب ناکام ماندند. و در سوئد اگر بخاطر مبارزه سکولاریستها و برابری طلبان نبود، دولت هنوز به قتل های ناموسی به دیده اغماض می نگریست و در مجازات قاتلین تخفیف قائل می شد.

از نظر ما یک شرط مهم برای پایان دادن به قتل های ناموسی در هر شکلش، مبارزه قاطع با سیاستهای مماشات جویانه دولتهای غربی در قبال مرتجعین مذهبی و مدافعین باورهای پوسیده و مردسالارانه است. چرا یک دختر جوان نتواند در مورد زندگی خودش تصمیم بگیرد؟ چرا نتواند دوست پسر داشته باشد؟ چرا مردان باید به زنان و دختران احساس تملک داشته باشند؟ چرا معیارهای دوگانه ای در برخورد با دختران خانواده های خارجی وجود دارد؟ باورهای عقب مانده ای که در پس "ناموس پرستی" قرار دارند باید بدون هیچ تخفیفی به نقد کشیده شوند. این یعنی درگیر شدن با تز نسبیست فرهنگی و خیل عظیمی از امامان و افرادی که بعنوان "نمایندگان خارجیان" از باورهای زن ستیزانه حمایت می کنند. از نظر ما جامعه باید از جریاناتی قاطعانه حمایت کند که ارزشهای انسانی و مدرن را نمایندگی می کنند و نه امامان و مساجد و کهنه پرستان! باید حجاب اجباری برای دختران زیر ۱۶ سال را ممنوع اعلام کرد. باید به کار مدارس مذهبی که از همان سنین

این دختران این است که "با نرم سوئدی" زندگی می کنند، سنتهای عقب مانده را بدور انداخته اند، دوست پسر دارند و می خواهند برای سرنوشت خود مستقلانه تصمیم بگیرند. حتی پسران جوان بدلیل تمایلات همجنسگرایانه دچار این سرنوشت غم انگیز شده اند.

بنا به تحقیقات دانشگاه استکهلم هر ساله نزدیک به صد هزار دختر جوان در سوئد از جانب خانواده های خود در اشکال مختلفی تحت فشار قرار دارند. این فشارها بخصوص آنجا که تفاوت فاحشی میان الگوهای ارزشی والدین و دختران جوان وجود دارد، نتایج ناگواری بهمراه می آورد. اعتقاد به باورهای مردسالارانه، سنتهای عقب مانده که با مذهب نیز آمیخته شده است و فشار گروهی و اطرافیان شرایطی را بوجود می آورد که زمینه ساز قتل های ناموسی می گردد. پدر، برادر و گاه مادر به قاتل و یا همدست قاتل تبدیل می شوند. تصور اینکه خانواده ای با فرزند خود چنین رفتاری داشته باشد چنان بدور از انسانیت است که حتی باورکردنش تکان دهنده است. ولی این حقیقت دارد. در قرون وسطی زنان را به جرم ساحره بودن می سوزاندند و در قرن بیست و یکم دختران جوان را در سوئد، کانادا، انگلستان، آلمان و... بدلیل اختیار نرم دیگری از زندگی وحشیانه به قتل می رسانند.

این قبل از هر چیز نشاندهنده پس رفتی عظیم در جوامع غربی است. این پس رفت در نتیجه سیاست سازش و مماشات دولتهای غربی با نمایندگان خودگمارده "خارجیان" که مدافع ارزشهای پوسیده، مذهبی و ارتجاعی هستند، بوجود آمده است. تحت عنوان تز راسیستی نسبیست فرهنگی "خارجیان" را لایق ضد انسانی ترین فرهنگ ها و سنتهای مذهبی و مردسالارانه می دانند. سرنوشت آنها را در گتوهایی که برایشان ساخته اند بدست امامان، مفتی ها و مرتجعینی سپرده اند که تحت عنوان "هویت خودی" کثیف ترین باورها را نمایندگی و اعمال می

در سوئد نامشان را "دختران بالکنی" گذاشته اند. چرا که خانواده ها و بستگان آنها را مجبور می کنند که با پرتاب کردن خود از بالکن خانه ها بخاطر آنکه "ناموس خانواده را لکه دار" کرده اند، دست به "خودکشی" بزنند! تکان دهنده است اما حقیقت دارد. حقیقت دهشتناکی که می بایست همه ما را برای مقابله با آن به حرکت در آورد و فورا منجر به توقف این جنایات شود.

به نظر می رسد که قتل های ناموسی در سوئد شکل جدیدی بخود گرفته است. مرتکبین به این قتل ها بخاطر فرار از مجازات به شیوه تازه ای روی آورده اند. ظاهرا قتلی صورت نمی گیرد و قاتلی هم وجود ندارد. این خود قربانیان هستند که دست به خودکشی می زنند! اما این تفاوت فقط در شکل است. همان باورها و ارزشهای ارتجاعی و عقب مانده ای که از پدر و برادر قاتل می ساخت، اینک در شکل اعمال فشار به دختران جوان برای گرفتن جان خود و از این طریق نجات "ناموس خانواده" خود را نشان می دهد. ماهیتا تفاوتی نمی کند. ولی دردناک تر است. چرا که عاملین این جنایات از دست مجازات فرار می کنند. چرا که اصلا این "خودکشی ها" جنایت محسوب نمی شوند. و جامعه از عمق ظلمی که به دختران در خانواده هایی که ارزشهای مذهبی، مردسالارانه و عقب مانده حکم می راند، اطلاعی پیدا نمی کند.

اخبار و گزارشات منتشر شده در این رابطه در مدیای سوئد مثل خود قتل های ناموسی تکان دهنده هستند. در حال حاضر سه پرونده در نزد مقامات پلیس سوئد در حال بررسی است که در هر سه مورد پلیس مظنون به فشار وارد آوردن به دختران جوان برای ارتکاب به خودکشی است. این دختران "تشویق" می شوند که خود را از بالکن خانه به زمین پرتاب کنند، خود را جلوی قطار بیاندازند و یا به خوردن قرص زیاد و یا نوشیدنی مایعی زهرآلود جان خود را برای حفظ ناموس خانواده بگیرند! جرم

کودکی افکار زن ستیزانه را در مغز کودکان فرو می کنند، خاتمه داد. باید خواهان مجازات کسانی شد که به بهانه فرهنگ اسلامی مانع ورزش و تفریحات کودکان میشوند. باید خواهان قطع فوری هرگونه سوسید و کمک دولتی به موسسات، نهادها و سازمانهای مذهبی شد. و بالاخره باید هرگونه تخفیف و با هر توجیهی در مجازات کسانی که به اذیت و آزار و قتل زنان دست می زنند، ممنوع اعلام شود و مجازات سنگینی برای جرائم ناشی از تعصبات مذهبی، قومی و

حضور خاتمی در اسکاتلند با اعتراض روبرو شد خاتمی را در لندن نیز باید رسوا کرد

در تعقیب یک جنایتکار گزارش حزب کمونیست کارگری ایران از تظاهرات علیه حضور خاتمی در لندن

اعلام میکند که هر جا بتواند مانع حضور سران حکومت اسلامی در خارج کشور میشود و هر جا این جنایتکاران حضور پیدا کنند حضور آنها را به ضد آنها تبدیل میکند. خاتمی قرار است روز چهارشنبه ۱ نوامبر در لندن در مرکز "چتام هاوس" سخنرانی کند. از همه شما دعوت میکنیم که در این تجمع اعتراضی شرکت نمایید.

**تشکلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران - بریتانیا
۳۱ اکتبر ۲۰۰۳**

لندن

زمان: چهارشنبه ۱ نوامبر ۲۰۰۶
ساعت ۴:۳۰ الی ۶:۳۰

مکان: مقابل مرکز چتام هاوس
Chatham House, 10 St
James's Square, London
SW1Y 4LE

نزدیکترین ایستگاه قطار
Piccadilly Circus / Green
Park

تلفن اطلاعات:

۰۷۸۸۶۹۷۳۴۷۳

۰۷۹۸۴۴۴۵۲۷۸

سخنرانان:

آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن
، مریم نمازی، مسئول روابط بین
المللی حزب کمونیست کارگری ایران
کیوان جاوید، حزب کمونیست
کارگری ایران، سوفی باکل، رئیس
اتحادیه سراسری دانشجویان
انگلستان
و تربیبون آزاد برای عموم

اندروز" با اعتراض وسیعی روبرو شده اند. مسئولین این دانشگاه به محض شنیدن خبر برگزاری تجمع اعتراضی از ترس بهم خوردن مضحکه شان تدابیر لازم را اتخاذ کرده بودند که این نمایش مسخره و شرم آور را برگزار کنند و به همین دلیل در این روز به هیچ فردی بجز تعدادی افراد دستچین شده که از قبل برایشان کارت دعوت صادر کرده بودند اجازه ورود به دانشگاه را ندادند. علیرغم همه اینها این اعتراض توجه زیادی را به خود جلب کرد بطوریکه رسانه هایی که در محل حضور داشتند از جمله: آسوشیتد پرس، تایمز، تلویزیون سراسری اسکاتلند و چند رسانه دیگر با مریم نمازی در مورد اهدای دکترای افتخاری به خاتمی و تجمع اعتراضی علیه آن مصاحبه کردند.

مردم آزادیخواه،
خاتمی و هر یک از مسئولین جمهوری اسلامی به هر جایی قدم میگذارند باید با اعتراض وسیع همه آزادیخواهان و مخالفین جمهوری اسلامی روبرو شوند. به دولتها و نهادهائی که با مقامات حکومت اسلامی سازش میکنند باید شدیداً اعتراض کرد. از هر فرصتی برای افشای جنایات جمهوری اسلامی باید استفاده کرد. ما با صدای بلند اعلام میکنیم که خاتمی و سایر سران جمهوری اسلامی جنایتکار هستند و باید دستگیر و محاکمه شوند. حزب کمونیست کارگری

در تاریخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۶ در اعتراض به حضور خاتمی در اسکاتلند حزب کمونیست کارگری ایران واحد بریتانیا تجمع اعتراضی فراخوان داده بود. این تجمع اعتراضی در مقابل دانشگاه "سنت اندروز" برگزار شد.

فعالین حزب کمونیست کارگری پلاکارها و عکسهای بزرگی در دست داشتند که روی آنها جنایات خاتمی از جمله اعدام نوجوانان و احکام اعدام کسانی مانند کبری رحمانپور تحت حاکمیت خاتمی نوشته شده بود و همچنین طنزین شعار مرگ بر جمهوری اسلامی توجه عابران را به خود جلب میکرد. در این روز صدها اطلاعیه حزب در ارتباط با حضور خاتمی در بریتانیا در محل پخش گردید که با استقبال گرم مردم روبرو گردید. مردم با کنجکاوی سوال میکردند و در رابطه با این اعتراض با فعالین حزب صحبت میکردند. مریم نمازی در چندین نوبت از پشت بلندگو به زبان انگلیسی سخنرانی کرد. وی در سخنرانیش به وضعیت ایران، سرکوب مبارزات مردم دوره ریاست جمهوری خاتمی و در حال حاضر صحبت کرده و به جنایات خاتمی و ضرورت دفاع از مبارزات مردم ایران اشاره کرد.

لازم به ذکر است که از زمان اعلام خیر اهدای دکترای افتخاری به خاتمی، مسئولین دانشگاه "سنت

بخش فارسی بی بی سی با شیوا محبوبی، دبیر تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران در بریتانیا، مصاحبه کرده و از وی در رابطه با اهداف تظاهرات و حضور خاتمی سوال کردند. شیوا محبوبی اظهار داشت خاتمی و احمدی نژاد دو بال رژیم اسلامی هستند و هر دو در خدمت حفظ جمهوری اسلامی میباشند؛ وی همچنین گفت، تحت حاکمیت خاتمی تعداد زیادی دستگیر و اعدام شده اند و تنها چند مورد آن اعدام عاطفه رجیبی و دو



نوجوان همجنسگرا، سرکوب اعتراض دانشجویان در سال ۲۰۰۴، کشتار کارگران خاتون آباد و احکام اعدام کسانی مانند کبری رحمانپور بود. در این تظاهرات به دعوت حزب کمونیست کارگری ایران رئیس اتحادیه سراسری دانشجویان انگلیس شرکت کرده و سخنرانی کرد. همچنین پیتر تاجل از سوی سازمان دفاع از همجنسگرایان، آوت ریچ، در حمایت از این اعتراض در تظاهرات شرکت کرد.

"چاتم هاوس" و دانشگاه "سنت اندروز" دیدند نمیتوانند بی صدا يك آخوند مرتجع اسلامی را بیاورند و ببرند و با هم دیالوگ ضد تمدنها راه بیندازند. ما گفتیم مردم ایران رژیم جمهوری اسلامی را می شناسند و حضور خاتمی در انگلیس فرصتی بود تا بخش وسیعتری از مردم در خارج از ایران نیز انتظار مردم ایران را از يك جامعه آزاد و برابر ببینند و بشنوند. ما اعلام کرده ایم تضمین میکنیم که همیشه و در همه حال کل رژیم اسلامی را نزد جهانیان رسوا کنیم و مانع حضور جنایتکاران اسلامی در خارج از کشور شویم. ما گفتیم در تعقیب جنایتکاران اسلامی مبارزه سنگر به سنگر با

ما اعلام کرده بودیم نمیگذاریم خاتمی شمشیر خونین اسلام را در خارج از ایران مخفی کند و لبخند ژکوند اسلامی تحویل مردم دهد و گفتیم ما آزادیخواهان قدم به قدم این جنایتکار را تعقیب می کنیم. در ادامه تظاهرات علیه حضور خاتمی در دانشگاه "سنت اندروز" که معروفترین رسانه های بین المللی از جمله آسوشیتدپرس، تایمز و "بی بی سی" مجبور شدند صدای اعتراض ما کمونیستها و آزادیخواهان را منعکس کردند و از

زبان ما گفتند و نوشتند جمهوری اسلامی چیزی جز يك ماشين كشتار و فقر و تباهی مردم نیست. همانطور که حزب کمونیست کارگری ایران اعلام کرده بود روز چهارشنبه اول نوامبر ۲۰۰۶ در مقابل "چاتم هاوس" صدها نفر دست به تظاهرات زدند و طنزین شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، تروریست برو گم شو، خاتمی يك جنایتکار است و باید محاکمه شود فضای اطراف "چاتم هاوس" را پر کرده بود و توجه عابرین را به خود جلب کرد. صف حزب کمونیست کارگری ایران با عکسهایی از عاطفه رجیبی، کبری رحمانپور و اعدام همجنسگرایان، اسامی اعدام شدگان، لیستی از جنایات خاتمی و رژیم اسلامی و باندرول بزرگی که بر روی آن نوشته شده بود: "خاتمی و سایر سران رژیم جمهوری اسلامی باید به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند" آراسته شده بود. اطلاعاتیه های حزب نیز به زبان انگلیسی و فارسی در میان عابرین پخش گردید که با استقبال آنان روبرو شد.

رسانه های خبری از جمله بخش انگلیسی و فارسی صدای آمریکا و

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Frequency: 11494
Symbol Rate: 17469
FEC: 3/4
Vertical

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی و برابری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
تشکلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری
ایران - واحد بریتانیا
۲ نوامبر ۲۰۰۶

اعتصاب متحدانه کارگران شرکت کشت و صنعت کارون دومین روز خود را پشت سر گذاشت

اطلاعی شماره ۲ در اطلاعی قبلی خبر شروع اعتصاب ۳۰۰۰ نفر از کارگران و کارکنان شرکت کشت و صنعت کارون شوشتر را به اطلاع رساندیم. گزارشهای رسیده گویای اینست که کارگران با تاکید بر خواست ها و مطالبات بر حق خود دومین روز اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند. اعتصاب از روز ۶ آبان شروع شده است. کماکان تولید متوقف است. تریلرها مملو از نی است و رانندگان در کنار تریلر خود ایستاده اند و منتظر بارگیری هستند. دهها تن شیره شکر بخاطر اعتصاب بلا استفاده مانده است. کوره بخار و جک ها همچنان خاموش هستند. کارگران بخش تجهیزات همچنان در اعتصاب بسر میبرند. در روز دوم کارگران موافقت کردند که برق

مقامات دولتی در ارتباط با وضعیت شرکت احضار شدند. شرکت کشت و صنعت کارون با وساطت فرمانداری تا ساعاتی از شب با مسئولین شرکت گاز وارد مذاکره شدند و با تشریح وضعیت وخیم شرکت و بویژه اعتصاب کارگران ملمسانه از شرکت گاز خواستند که در این شرایط آنها را تنها نگذارند و فعلا به مدیریت مهلت بدهند. بنا به گزارش شرکت کشت و صنعت کارون مبالغ هنگفتی بابت آب و برق و همچنین بیمه بدهکار است. در حال حاضر سازمان تامین اجتماعی از تمدید دفتر چه های بخش های از کارگران که حق بیمه آنان توسط شرکت پرداخت نشده خودداری میکند و خانواده های کارگری را زیر فشار و در مضیقه گذاشته است. جو

قسمت اداری وصل شود. اما واحد خط تولید که به کارخانه معروف است هنوز فاقد برق است. در این میان شرکت گاز نیز در حالیکه اعتصاب کارگران ادامه دارد شرکت گاز نیز، به منظور نقد کردن طلبهای چند میلیارد تومانی اش از کشت و صنعت، اقدام به بستن شیر گاز شرکت نموده است. کل مجتمع اکنون در حال تعطیل و در اعتصابی یکپارچه به سر میبرد. لازم به ذکر است که آسیابهای کارخانه همزمان از برق و گاز استفاده میکنند. از طرف دیگر باریدن باران نیز عملا کار برداشت را متوقف کرده است. کارگران نی بر داس ها را بر زمین گذاشته اند. بعد از ظهر دومین روز اعتصاب نبوی مدیر عامل و میرزا پور معاون امور اداری توسط

اعتراضی در میان کارگران بشدت بالاست. "حراست" و شورای اسلامی از نگرانی عکس العمل متحدانه کارگران، تا کنون دست به هیچگونه عملی نزده اند و از مقابله با کارگران خودداری کرده اند. بنا به این گزارش کارگران و کارکنان شرکت کشت و صنعت خواستار اخراج و محاکمه علنی و مجازات عبدالعزیز نبوی مدیر عامل و میرزا پور معاون امور اداری، شادمان رئیس کارخانه (خط تولید) و رضادوست عضو هیئت مدیره شرکت و از چهره های منفور در میان کارگران هستند. شرکت در بحران همه جانبه دست پیا میزند. کارگران بر خواست های برحق خود بویژه دریافت پاداش مورد توافق اصرار دارند. کارگران از نظر معیشتی بشدت در مضیقه هستند.

اعتصاب ۳۰۰۰ نفر از کارگران و کارکنان شرکت کشت و صنعت کارون شوشتر را به اطلاع رساندیم. گزارشهای رسیده گویای اینست که کارگران با تاکید بر خواست ها و مطالبات بر حق خود دومین روز اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند. اعتصاب از روز ۶ آبان شروع شده است. کماکان تولید متوقف است. تریلرها مملو از نی است و رانندگان در کنار تریلر خود ایستاده اند و منتظر بارگیری هستند. دهها تن شیره شکر بخاطر اعتصاب بلا استفاده مانده است. کوره بخار و جک ها همچنان خاموش هستند. کارگران بخش تجهیزات همچنان در اعتصاب بسر میبرند. در روز دوم کارگران موافقت کردند که برق

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳۸۵ - ۳۱ اکتبر ۲۰۰۶

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیس:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 3-60 60 639
صاحب حساب IKK

آلمان:

Dariusz safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

کانادا:

TD Canada Trust
A. Mikanik
transit#1672
Institution#504
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴ ۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

کارگران شرکت پارس تدبیر فن و پارس کیهان در پتروشیمی کرمانشاه وارد ششمین روز اعتصاب شدند کارگران بار دیگر تصمیم به برپائی مجمع عمومی گرفتند

دومین روز اعتصاب ۳۰۰۰ نفر از کارگران و کارکنان شرکت کشت و صنعت کارون شوشتر را به اطلاع رساندیم. گزارشهای رسیده گویای اینست که کارگران با تاکید بر خواست ها و مطالبات بر حق خود دومین روز اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند. اعتصاب از روز ۶ آبان شروع شده است. کماکان تولید متوقف است. تریلرها مملو از نی است و رانندگان در کنار تریلر خود ایستاده اند و منتظر بارگیری هستند. دهها تن شیره شکر بخاطر اعتصاب بلا استفاده مانده است. کوره بخار و جک ها همچنان خاموش هستند. کارگران بخش تجهیزات همچنان در اعتصاب بسر میبرند. در روز دوم کارگران موافقت کردند که برق

مجمع عمومی خود در مورد چگونگی ادامه اعتراض تصمیم گیری خواهند کرد. کارگران این دو شرکت متحد و مصمم اعلام کردند که تا رسیدن به خواست خود به اعتراضشان ادامه خواهند داد. در این دو شرکت مجموعا حدود ۳۰۰ کارگر به کار اشتغال دارند. بنا به گزارش روز چهارشنبه یکی از کارگرانی در حال عکسبرداری از تجمع کارگران بود توسط نیروهای انتظامی بازداشت شد، اما بدنبال اعتراض کارگران یکساعت بعد ناگزیر شدند او را آزاد کنند.

برگزاری مجمع عمومی مشترک توسط دو شرکت پارس تدبیر کیهان و پارس تدبیر فن در پتروشیمی کرمانشاه یک اقدام بسیار مهم در راستای متشکل شدن و متحد شدن کارگران است. همانطور که در اطلاعی قبلی گفته بودیم روز ۸ آبان نیز کارگران این دو شرکت مجمع

اطلاعی شماره ۲

بنا به گزارشی که به حزب رسیده است، اعتصاب دو شرکت پارس کیهان و پارس تدبیر در پتروشیمی کرمانشاه که از روز ششم آبانماه شروع شده بود همچنان ادامه دارد و وارد ششمین روز خود شده است. اعتراض کارگران به عدم پرداخت سه ماه دستمزد میباشد.

دیروز چهارشنبه ۱۱ آبانماه کارگران این دو شرکت از ساعت شش و نیم صبح در محل کار خود حاضر شدند اما به اعتصاب ادامه دادند. بدلیل بارندگی شدید و تحت فشار اعتراض کارگران، مدیریت ناگزیر شد با قول پرداخت مزد کامل کاری کارگران را به منازل خود بفرستد و ساعت ۹ صبح کارگران با سرویس های شرکت روانه خانه های خود شدند. کارگران اعلام کردند که روز پنجشنبه ساعت ۷ تا ۹ صبح و تا ۳ بعدازظهر جمع خواهند شد و

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران
آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ آبان ۱۳۸۵، ۲ نوامبر ۲۰۰۶

خطر جنگ و شانزده آذر

منصور ترکا شوند

به خلاف چند سال گذشته ، خطر جنگ نه هیا هو و شانزده آذر تبلیغاتی کیهان و همکیشان و پیروان، که جدی است. خطر شروع و وقوع جنگ بین دو قطب ارتجاعی عصر ما بسیار بیشتر از پیش محتمل شده است. گویی قرار است جمهوری اسلامی که از برکت جنگ جان گرفته بود با جنگ بمیرد. جنگ ادامه سیاست است و نوعا کا ملا تصادفی شروع می شود. نیاز طرفین درگیر این سیاست مرگ و زندگی، کار را به اینجا کشیده است. برای جمهوری اسلامی اینبار جام زهر ممکن است خود جنگ باشد. راه باز گشت هر بار بیشتر بسته می شود. جدل فیما بین جماعت اسلامی حاکم در ایران بسیار جدی و ناشی از وضعیت بحرانی است که بدان دچارند. لشکر کشی قشون دولت آمریکا به خلیج نیز پاسخ و نیاز مبرم نظم نوین در شرایط فعلی است.

این مجموعه، انبار باروت است و یک جرقه منفجرش خواهد کرد. دنیای بعد از این فاجعه دنیای دیگری خواهد شد. و این نیاز طرفین این درگیری است.

بعد از جنگ اخیر خاورمیانه بین حزب الله و اسرائیل، و پیروزی نیم بند قطب اسلامی و بروز علائم این پیروزی، لشکر کشی و ناو کشی به خلیج، ضروری شده است.

واقعیت این است که آمریکا و غرب از جنگ اخیر خاور میانه ضربه خورده اند و با کمی تاخیر و بررسی بیشتر در صدد جبران بر آمده اند. آزمایش بمب اتمی کره ایها و عریده کشیهای سران اسلام سیاسی در متن چنین اوضاع و شکستی رخ داده اند. اسلام سیاسی نیز نمی تواند فتوحاتش را نیمه تمام رها کند. جدا از اینکه برای اسلام سیاسی و بخصوص برای جمهوری اسلامی "خطر جنگ" یک ضرورت است، خطری که ممکن است خود جام زهر باشد .

این کشمکشها ممکن است نتوانند در حالی که ناوهای جنگی در خلیج آرایش جنگی گرفته اند، مثل سالهای اخیر به "خیر و شادی" ختم شوند. "تغییر یک ولیعهد" کافی است که جنگ خونین دیگری را کلید بزنند. هر حادثه دیگری مثل یازده سپتامبر ۲۰۰۱ ممکن است پیش بیاید و آینده را تیره و تارتر بکند.

کارگران در آغاز قرن بیستم با "انقلاب اکتبرشان" بورژوازی را بسیار عقب راندند. گویی خیال باز پس گیری همین اندازه از دستاوردهای بشریت متمدن استراتژیستهای دنیای وارونه را در آغاز قرن جدید به بر افروختن جنگ واداشته است. فقط دیوانگی ملیتاریسم غرب در این جنگ

افروزی نقش ندارد، جنون اسلام سیاسی چیزی کم از دیوانگی ملیتاریسم غرب ندارد. هر آن یک جوان خود سر اسلامی می تواند زمینه را برای ظهور حضرت مهدی مهیا کند. جنون در صف اسلام سیاسی ریشه در تشمت افسار گسیخته این صف دارد. بن لادن و درارو دسته اش از جنگ و جنگ افروزی همانقدر سود می کنند که صفار هرندی و شریعتمداری. اسلام سیاسی یک جنبش در حال احتضار است. کسی که در حال عرق شدن است ، بخصوص اگر از جنبش اسلامی باشد به غریق هم رحم نخواهد کرد.

در این متن، شانزده آذر امسال، شانزده آذر دیگری باید باشد . بخش آگاه جامعه باید امسال را به پلاتفرم نه بزرگ به جنگ و جنگ آفریزی، نه بزرگ به دو قطب تروریسم جهانی بدل کند . کمونیسم کارگری ، نه بزرگ به جنگ و دو قطب تروریسم جهانی در شانزده آذر امسال است.

برای کسب قدرت سیاسی در عرصه جامعه باید به مسائل مهم آن پاسخ روشن داد. و شعار سلبی ما در شانزده آذر امسال باید نه به جنگ باشد. یا فشاری تنها روی شعار های اثباتی در آذر امسال یک گام به پس است و بر عکس برجسته کردن شعار سلبی نه به جنگ و جنگ افروزی، نه به دو قطب تروریسم جهانی گامی به پیش است.

جنبش سر نگونی ظاهرا کسی عقب رفته است، اما انبار باروت واقعی نبرد همینجا و در زمین

نامه به انترناسیونال

آقای محسن ابراهیمی سلام! ما نشریه انترناسیونال را مرتب دریافت میکنیم. آترا به دوستان و آشنایان میدهیم و در حدی که برایمان ممکن باشد. پخش میکنیم. ممنون از زحماتتان. اما چند سوال داشتیم که میخواستیم پاسخ خود شما به آنها را بدانیم.

۱- حمله آمریکا به ایران را تا چه حد محتمل میدانید

۲- در صورت وجود چنین خطری آیا نمیشود نیروهای اپوزیسیون با هم فعالیت مشترکی در دفاع از جامعه مدنی ایران داشته باشند و سناریو سیاه جامعه را تهدید نکند؟ طرح و برنامه شما

۳- در صورت وجود چنین خطری وظیفه ما فعالین حزب در ایران چیست و چه باید کرد؟ اگر در این زمینه مقالات و نوشته هایی هست که مطالعه اش را مفید میدانید. لطفا معرفی کنید.

با تشکر
لیلا

دوست گرامی مطرح کرده ای مهم هستند و قطعاً سوالات تعداد زیادی هستند. نمیخواستم با عجله جوابشان را تهیه کنم. با پوزش فراوان، در شماره بعدی انترناسیونال جواب سوالاتتان را خواهید خواند.

شاد و پیروز باشید
محسن ابراهیمی

جهانی نباید خود بخودی، که باید، مهر کمونیسم کارگری را بر پیشانی داشته باشد.

نه به جنگ و جنگ افروزی، نه به دو قطب تروریسم جهانی، زنده باد آزادی و برابری. #

جهه سوم است. این را سران نظام اسلامی بهتر از هر کسی می دانند. کمونیسم کارگری با، نه به جنگ و جنگ افروزی، نه به دو قطب تروریسم جهانی در آذر سرخ ابتکار عمل را بدست خواهد گرفت. این نه به جنگ، نه به دو قطب تروریسم

فراخوان به تظاهرات: در اعتراض به "کنفرانس اسلام" در آلمان

یک دنیای بهتر

برنامه
حزب کمونیست
کارگری را بخوانید

به حزب
کمونیست
کارگری
پیوندید

زمان: پنجشنبه ۹ نوامبر راس ساعت ۱۱
مکان: نورنبرگ، مقابل اداره مهاجرین و پناهندگان
۲۱۰ Frankenstr.

برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفنهای ۰۱۶۰۶۲۳۴۲۴۶ یا ۰۱۷۲۴۰۴۴۳۲۳ تماس بگیرید

سخنرانان این میتینگ اعتراضی
میثا احدی، نسرین رضمانعلی
از اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران و مسجد اصلی عضو کمیته آلمان حزب می باشند.

خوایم در این میتینگ اعتراضی شرکت نموده و ضمن محکوم کردن سیاست های مماشات جویانه دولت آلمان با جریانات و دولتهای اسلامی، صدای اعتراض و مخالفت شان را علیه این سیاستهای ارتجاعی اعلام نمایند.

دولت آلمان برای روزهای چهارشنبه ۸ و پنجشنبه ۹ نوامبر "کنفرانس اسلام" برگزار می کند. در اعتراض به این سیاست مماشات جویانه و همکاریهای دولت آلمان با احزاب و جریانات اسلامی، در اعتراض به سیاستهای ارتجاعی این دولت و باز گذاشتن دست احزاب و باندهای تروریست اسلامی در تعدی به حقوق شهروندان مقیم آلمان توسط احزاب و جریانات اسلامی، در دفاع از سکولاریزم، لغو احکام سنگسار، برچیده شدن قوانین ضد زن و محکوم کردن این سیاست، در

اعتراض به قتل های ناموسی که بخشا توسط خود همین باندهای سیاه طرح و به اجرا گذاشته می شود، در اعتراض به حمایت رسمی و علنی دولت آلمان از احزاب اسلامی و کمک های مالی به این جریانات، کمیته آلمان حزب کمونیست کارگری ایران میتینگ اعتراضی در برابر محل برگزاری این کنفرانس در شهر نورنبرگ آلمان برگزار می کند.

ما همه آزادیخواهان، سکولارها، مخالفین جمهوری اسلامی، همه انسانهایی که مدافع حقوق زن و کودک هستند را فرامی

تشکلات خارج
حزب کمونیست کارگری ایران - آلمان
۹ نوامبر ۲۰۰۶

از صفحه ۲ مصاحبه با کاظم نیکخواه

مردم! در برابر تهاجم فاشیستی
به کارگران و پناهندگان افغانستانی بایستید!

انسانها مستقل از زادگاه و شناسنامه هایشان از حقوق برابر انسانی برخوردارند. کارگران و پناهندگان افغانستانی و عراقی و پاکستانی به صرف اینکه در ایران زندگی و کار میکنند، حق دارند از تمام حقوق انسانی در این کشور برخوردار شوند. ما کارگران و مردم باید انسانیت و برابری و ارزشهای والای انسانی را نمایندگی کنیم. جامعه ای که با بخشی از شهروندان این چنین غیر انسانی برخورد کند نمیتواند خود را از جنایت و جانپان خلاص کند.

کارگران! مردم شریف!

از حقوق انسانی پناهندگان و کارگران افغانستانی و همه پناهندگان قاطعانه دفاع کنید! هم سرنوشتی و همبستگی خود با این بخش از مردم این کشور را با صدای رسا اعلام کنید. به حکومت نشان دهید و اعلام کنید که شما مردم شریف در این تهاجم کثیفی که علیه پناهندگان افغانستانی برآه انداخته، جانب پناهندگان را میگیرید و خود را در کنار آنها میدانید. به حکومت نشان دهید که اجازه نمیدهید گناه ناسامانیهای اجتماعی را به گردن بخشی از محرومترین مردم این کشور قرار دهد. توهین و تحقیر و پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق پناهندگان را تحمل نکنید! جمهوری اسلامی خود باید پاسخگوی بیکاری و فقر و اعتیاد و جنایت و فساد باشد و نمیتواند و نخواهد توانست گریبان خود را از فشار اعتراضات ما کارگران و مردم با این یورش ضد انسانی به پناهندگان خلاص کند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی برای حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ آبان ۱۳۸۵

مستقیما دست دارند. رسماً یک "طرح ضربتی" برای دستگیری و اخراج افغانستانی ها را به اجرا گذاشته اند و وزیر کار جمهوری اسلامی اعلام کرد که بر اساس این طرح طی سه ماه بیش از ۵۰۰ هزار افغانی از ایران اخراج خواهند شد. بنا به آمار جمهوری اسلامی بیش از یک میلیون پناهنده افغانستانی در ایران زندگی میکنند. این پناهندگان عموماً به عنوان کارگر در سخت ترین و نا امن ترین و نا مطبوع ترین کارها به کار گرفته میشوند و به شدید ترین وضعی از آنها کار کشیده میشود. شرایط کارشان از بردگی تفاوت چندانی ندارد. از هیچگونه تامینی برخوردار نیستند. دستمزدهایشان از حداقل دستمزد رسمی زیر فقر بسیار پایین تر است. کارفرمایان حریص در سایه این تهاجم حکومت و بی تامینی و بی پناهی کارگران افغانی، همین دستمزدهای بسیار پایینشان را هم بالا میکنند و غیر انسانی ترین شرایط کار را بر آنها تحمیل میکنند. صدای این بخش از جامعه در هیچ کجا انعکاسی نمی یابد.

با این کارزار فاشیستی و کثیف حکومت اسلامی باید بطور جدی و وسیع مقابله کرد. جمهوری اسلامی میخواهد بار تمام مشکلات اجتماعی نظیر بیکاری و اعتیاد و جنایت را که عامل مستقیمش خود حکومت و چپاول و ستمگری طبقه حاکم است به گردن پناهندگان بیندازد. این روش شناخته شده همه حکومتهای فاشیستی و دست راستی و متکی به ناسیونالیسم است. نباید اجازه داد که جنایتکاران حاکم بر ایران در سایه ناسیونالیسم ایرانی، بخشی از مردم را اینچنین مورد توهین و تحقیر و شکنجه قرار دهند. از نظر کارگران و مردم متمن

جمهوری اسلامی اخیراً حمله و فشار بر پناهندگان افغانستانی را شدت بیشتری داده است. در این تهاجم فاشیستی ترین توهین ها و تحقیرها و تبلیغات علیه مردم زاده افغانستان از رسانه های دولتی به کار گرفته میشود. خیل عظیمی از نیروهای آموزش دیده انتظامی به خدمت گرفته شده اند تا کارگران افغانی را در هر کجا که هستند شناسایی کنند و دستگیر و روانه بازداشتگاهها نمایند. این دستگیر شدگان هر روز به مرزهای افغانستان برده میشوند و با تحقیر در ناکجا آبادهای جنگ زده رها میشوند. خانواده های افغانستانی در ایران حتی آنها که اقامت قانونی دارند بشدت در تنگنا و فشار قرار میگیرند تا خود ایران را ترک کنند. کودکان از مدارس اخراج میشوند. شهریه های سنگینی برای کودکانی که پدر یا مادرشان زاده افغانستان باشد بسته میشود. در هفته های گذشته یک تجمع خانواده های افغانی در مشهد که به این شهریه ها اعتراض داشتند و در برابر دفتر سازمان ملل در این شهر تجمع کرده بودند به شدت در پیش چشم دست اندرکاران سازمان ملل مورد حمله قرار گرفت و زنان و مردان و کودکان به شدت کتک زده شدند. کارگران افغانستانی را از کارخانه ها و کارگاهها اخراج و مستقیماً دستگیر میکنند. یک کارزار کثیف تبلیغی علیه پناهندگان افغانستانی به راه انداخته اند که با تبلیغات دستگاه هیتلری مو نمیزند. افغانها را مستقیماً و رسماً عامل جرم و جنایت و قتل و نا امنی و بی بند و باری و همه ناهنجاریهای اجتماعی معرفی میکنند. فرمان یورش به افغانها را بارها از رسانه های دولتی صادر کرده اند. در این کارزار فاشیستی تمام بخشهای حکومت

را در معرض ضربه دشمنانم بگذاریم. معلوم است که باید برای این مساله مدام فکر کرد و راه های امن تر کردن فعالیت کمونیستی را پیدا کرد. هیچ اصل مقدسی شما را مجاز نمیکند که وقتی دشمنان امکان ضربه زدن را دارد و شما نمیتوانید روبرو با او مقابله کنید، خودتان را مخفی نکنید. اما این یک بحث کاملاً پراتیک است. با بررسی هرروزه توازن قوا و اوضاع احوال هرروز باید راههای تازه ای برای مقابله با حکومت و عواملش را پیدا کرد. همین امروز اگر به جامعه نگاه کنید می بینید که حزب ما در وسط صحنه سیاسی ایران و در اعتراضات کارگران و بخشهای مختلف مردم حضور کاملاً قابل مشاهده ای دارد، اما فعالین و دوستان این حزب به شیوه های مختلفی خودشان را از دستگیری و زندان حفظ میکنند. همیشه راه حفظ اعضا و کادرها از گزند سرکوب و دستگیری، مخفی کاری نیست. بحث "تعیین یابی رهبران عملی جنبش اعتراضی" که حمید تقوایی دو سه سال پیش مطرح کرد و از جانب فعالین کارگری و اعتراضی عملاً دارد در خیلی موارد پراتیک میشود، در عین حال بحثی در حوزه امنیت این فعالین بود. اما اساسش بر علنی کاری بود نه مخفی کاری. در عین حال حزب سیاست فعالیت علنی در ایران به مفهوم رسمی اش را ندارد. تشکیلات و حوزه های علنی دیده نمیشوند، کادرهای رسماً به عنوان کادر حزب در ایران حرف نمیزنند، اعضا و کادرهای هنوز از طریق حزب به هم وصل نمیشوند. اگر غیر از این بود عجیب بود. در عین حال کم نیستند کسانی که آنها را به عنوان حزبی یا کمونیسم کارگری، یا "جریان خاص" میشناسند. این را ذره ذره حزب به آنها یاد نداده است.

جهت گیریها را حزب نشان داده است. جنبه های مشخص عملی را عمدتاً خودشان در جامعه پیدا کرده اند. رهبری حزب هم تا آنجا که دخالت دارد و دخالت داشته است بر اساس همان شرایط مشخص رهنمود داده و میدهد. میخواهم بگویم که بحث علنیت با این نحوه کار، با دخالت دادن توازن قوا و ملزومات مخفی کاری در برابر سرکوب تناقض ندارد. و بهیچوجه مشکل و پیچیدگی ای در این زمینه ایجاد نمیکند. حتماً با حساسیت باید به مساله امنیت نگاه کرد و هرچه بیشتر امکان ضربه خوردن را کم کرد. اما این همانطور که گفتم بحثی در حوزه پراتیک روزمره است و با جهتگیری عمومی ای که داریم در موردش بحث میکنیم سطوحشان فرق میکند. هیچ پاسخ یک بار برای همیشه ای برای مساله امنیت وجود ندارد. یک موقعی مخفی کار کردن امنیت را تامین میکند یک موقعی علنی کار کردن. تجربه نشان داده است که فرمول معجزه آسا و یک بار برای همیشه ای در این مورد وجود ندارد. بحث اصلی اینست که حزب باید اساس کارش را بر علنیت و شفافیت بگذارد. این جهت گیری راه کادرسازی در ابعاد وسیع را فراهم میکند، جنبش کمونیسم کارگری را عمیق تر و گسترده تر میکند، صف واحد و هم خطی را در اطراف حزب شکل میدهد، تبلیغات و جوسازیها و لجن پراکنیهای جنگ سردی را در حد وسیعی خنثی میکند و غیره. به همین دلیل تمام ملاحظه کاریها را در این زمینه باید کنار گذاشت. در عین حال چه مخفی کاری و چه علنی کاری باید به نحوی باشد که امکان ضربه زدن دشمنان کمونیسم و حکومت سرکوب را کمتر و کمتر کند.

ادامه دارد

سایت حزب: www.wpiran.orgسایت روزنه: www.rowzane.comنشریه انترناسیونال: www.anternasional.comسایت کانال جدید: www.newchannel.tvآدرس تماس با حزب: markazi@ukonline.co.uk

تلفن و فاکس برای تماس با حزب:

Tel: 0044-7950 517 465

Fax: 0044-8701 351 338

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

ماهیت حقوق در اروپا

ناصر اصغری



سید محمد خاتمی، رئیس پیشین جمهوری اسلامی به دعوت چند نهاد دولتی و نیمه دولتی، از جمله دانشگاه سنت اندروز به بریتانیا رفته اند. ایشان قرار است در این دیدار از دانشگاه مذکور دکترای افتخاری حقوق نیز دریافت کند. افشاکری درباره جمهوری اسلامی و مقامات ریز و درشتش برای خوانندگان این سطور کسل کننده است. چیزی را به کسی نمیگوید.

اما چند کلمه در بار حقوق مسخ شده انسان در اروپا خالی از فایده نیست. دانشگاه سنت اندروز تا بحال به چندین نفر دیگر نیز دکترای افتخاری حقوق داده است. این البته از سر لطفشان به حقوق است. در باره دریافت کنندگان این مدرک از کشورهایی نمی دانم وضع از چه قرار بوده است؛ اما خاتمی برای هشت سال رئیس جمهور رژیم بود که تک تک دست اندرکارانش مورد تنفر

از صفحه ۱ قربانیان کودک آزاری ...

مادرش بوده است. توران دختر چهارده ساله ای است که در تهران قربانی کودک آزاری شده است. دختر غمگینی که از شدت درد چشماش باز نمیشود و نمیتواند خوب حرف بزند. او در بیمارستانی در تهران بستری است و تنها و غمگین درد میکشد. صورتش کبود و ورم کرده است و چشمانش به زحمت باز میشود. قرصهای مسکن قوی به او داده میشود و پزشکان میگویند که فکش شکسته و چندین شکستگی در استخوانهای بدنش هست. توران ۱۴ ساله، بعد از جدایی مادر و پدرش، نزد پدر مانده و ده سال با مادر بزرگش زندگی کرده است. بعد از ازدواج مجدد پدرش او توسط نامادری اش شکنجه شده و امروز در بیمارستان بستری است. پزشکان گفته اند اکنون خطر مرگ توران رفع شده ولی او آثار شدیدی از شکنجه و کتک خوردن بر بدن دارد و طبعاً روانش آسیب شدیدی از اینهمه آزار و شکنجه دیده است.

مباحثات در مورد این دو نمونه جنایت علیه کودکان که فقط نوک کوه یخ کودک آزاری در ایران و آلمان و در دنیا را نشان میدهد، یک جنبه مهم پرداختن به این معضل جانکاه است.

در آلمان، نگاهها متوجه اداره های متعدد، مسئولین امور نوجوانان و کودکان، شهردار و مددکار اجتماعی و غیره است. میگویند چگونه است که پزشک معالج خانواده چیزی نگفته و با این خانواده همکاری کرده است. میگویند اداره مربوط به کودکان و جوانان چرا کاری نکرده است. صحبت از کناره گیری و استعفا

خواندن گزارش روزنامه اعتماد، فکر میکردم کاش با والدین توران، پدرش و این دو زن کسی حرف میزد. کاش میشد فهمید زندگی اینها چگونه است. و امروز خبرنگار سری به خانه توران زده و گزارش مفصلی در مورد خانه ای که در انتهای یک جاده و در انتهای یک خیابان و در انتهای دنیا قرار دارد نوشته است. دو کودک ۲ و ۴ ساله پریا و پردیس کودک این زن هستند که با غم و ترس به گوشه ای زل زده اند و میگویند مامان سر توران را به دیوار زد.

و این نامادری تعریف میکند که فرزند یک خانواده پر جمعیت بوده، ۱۱ خواهر و برادر و پدرش برای اینکه یک نانخور کم داشته باشد، او را برخلاف میلش به پدر توران میدهد. تفاوت سنی این دو زیاد است. بدی قبلاً یک نفر دیگر را دوست داشته و میخواست با او ازدواج کند ولی پدرش به زور او را به پدر توران میدهد. بدی ۱۶ ساله بوده که با پدر توران ازدواج میکند. و اکنون با دو بچه دیگر، خواهان طلاق از پدر توران است. او میگوید تنها من نبودم که توران را میزدم پدرش هم او را میزد.

در خارج از این خانه ای که در انتهای خیابان و انتهای دنیا است، ظاهراً همه چیز به بن بست میرسد. فقر و نداری از سر و روی این خانه می بارد و همه چیز رنگ غم دارد. از این نوع خانه ها و از این نوع پدر و مادرها و از این نوع کودک آزاریها در آن جامعه و با آن شرایط فلاکت بار زندگی، به وفور یافت میشود. بیرون از این خانه آیا کسی و یا نهادی نبوده و یا موظف نبوده از توران دفاع کند؟ نهادی و یا موسسه ای و یا دولتی موظف نیست به

کارگران، زنان و کودکان، دیگر چیزی نیست که کسی در حتی اروپا و آمریکا هم بتواند منکرش بشود. حقوق بشر آنها افسار ارتجاع دینی را گسیخته است که بشر را هر چه بیشتر تحمیت کند و جنایت بیافریند. افسار ارتجاع قومی را گسیخته است که خون به جامعه بپاشد؛ افسار اسلام سیاسی را گسیخته است که حتی در اروپا و آمریکا زن را در انظار عمومی جنس درجه دو به حساب بیاورد و هر جا که لازم بداند، بکشد و بعد به بهانه نسبیّت فرهنگی این عمل را توجیه کند.

کودکان رسیدگی کند؟ فقر و نداری و خشونت بر علیه کودکان آیا فقط امری مربوط به چهار دیواری خانه است؟ آیا انگشت اتهام نباید بطرف کسانی و یا نهادهایی و جامعه و دولتی نیز گرفته شود که در مورد خشونت بر علیه کودکان از آن سلب مسئولیت میشود؟ اگر سر این قرقره باز بشود، میتوان فهمید که در این مملکت قانونا کودک را میشود کتک زد و یا حتی او را کشت؛ زیرا کودک اموال خانواده و بویژه اگر از جنس مؤنث باشد تا آخر عمر اموال کسی است. این موارد در ایران مثل قانون جاری است.

در این مملکت، کودکان خیابانی در فقر و نداری و در دریایی از خشونت فیزیکی و جنسی در خیابانها پرپر میشوند و کسی پاسخگو نیست. در این مملکت، قانونی وجود ندارد که کودک مستقل از اینکه خانواده اش فقیر و یا غنی باشد حق استفاده از امکانات و رفاه و امنیت جسمی و روحی را داشته باشد. در این مملکت کودک مورد خشونت، نمیداند به کجا پناه ببرد. حقوق و درآمد ویژه ای ندارد و پولی از دولت نمیگیرد. در این مملکت با افکار عقاید و روش تربیتی که کتک را مجاز میدانند، توران ها فراوان هستند...

توران و که وین هر دو قربانیان یک نظام و یک سیستم هستند. نظامی و سیستمی که در آنها جان انسانها بی ارزش است و جان و امنیت و حرمت کودکان بعنوان ضعیفترین و آسیب پذیرترین بخش جامعه بطریق اولی بی ارزش ترین است، از این جنایات به وفور اتفاق می افتد.

دفاع از حقوق کودکان راه انداختن مباحثات جدی در مورد

شاه حقوق اینها را مارکس حدود ۱۵۰ سال پیش در جزوه "درباره مسئله یهود" نشان داد که عبریان ست. بشر از نظر اینها بشر بورژواست. بشری است که نان شب جامعه را گروگان گرفته است. بشری است که بردگی مزدی را فرض گرفته است. شهروندان معمولی، زنان، کارگران، مهاجران و پناهندگان، کودکان و سیاهان بشر نیستند. ما دنیا را دعوت کرده ایم که در برابر این خاک پاشیدن به چشم بشر واقعی، به کمپ و جبهه سوم پیوندند. راه دیگری نیست.*

جوانب مختلف مبارزه با کودک آزاری و نبرد با اشکال پنهان و آشکار کودک آزاری، یک وجه پیشرفت انسانیت است.

در ایران و در آلمان، با دیدن عکس و با شنیدن سرگذشت این کودکان، دستهای زیادی برای کمک به کودکان در معرض خشونت دراز میشود.

روزنامه اعتماد نوشت که با پخش گزارشی در مورد توران دهها نفر به این روزنامه نامه نوشته و یا تلفن زده و خواهان کمک به او شده اند. وکلا، پزشکان، پرستاران و مردمی که سرپرستی او را میخواهند بپذیرند. این جنبه از گزارش بسیار امیدوار کننده است. مردمی که قلبشان برای انسانیت می طپد و خواهان لغو قطعی کودک آزاری از تاریخ بشری هستند. اما با این وجود هنوز تفاوتی میان فرهنگ حاکم در آلمان و ایران هست. همچنانکه گفتیم در آلمان فوراً جامعه انگشت اتهام را به ارگانهای دولتی نشانه رفته است. هرچند اینجا باید به مردم گفت این خود سیستم حاکم است که با فقر و استثمار و تحقیر و ستم و بی ارزشی جان و حرمت انسانها و با تولید نابرابری ذاتی اش، اینچنین کودک آزاری را نیز تولید میکند. اما در ایران از نظر قانون و متأسفانه بخش عظیمی از مردم اولین و آخرین متهم خانواده است. این فرهنگ را باید تغییر داد. کودک آزاری نتیجه و بازتاب سیستم حاکم است. سیستم حاکم با استثمار و ستم و خشونت و سرکوبش، سیستم با فرهنگ و اخلاقیات و سنتهایی که مدافع آن است. کل این سیستم را باید زیر ضرب برد.*